



توماس جفرسون، نویسنده اصلی اعلامیه استقلال ایالات متحده آمریکا و یکی از بنیان‌گذاران آمریکا که سومین رئیس‌جمهور آمریکا هم بود، ۱۳ آوریل ۱۷۴۳ در ایالت ویرجینیا به دنیا آمد. پس از طی تحصیلات ابتدا به‌عنوان وکیل به خدمت پرداخت و با به دست آوردن موفقیت‌های بی‌دری، به عضویت کانون وکلای درآمد تا اینکه به کنگره ملی آمریکا راه یافت و از آن پس مدارج ترقی را طی کرد و به مناصبی هم‌چون وزارت کشور و معاونت رئیس‌جمهور دست یافت و در نهایت در سال ۱۸۰۰ به ریاست جمهوری آمریکا انتخاب شد.

تاریخ: چهره‌های قرن



۱۳۴۹

سید محسن حکیم، رویارویی با کمونیسم

آیت‌الله سید محسن حکیم از فقها و مراجع مبارز شیعه، بعد از مجاهدت‌ها و تلاش‌های سیاسی خود در راه اسلام و تربیت شاگردان نامداری چون شیخ حسین وحید خراسانی، ۱۲ خرداد ۱۳۴۹ چشم از جهان فرو بست و در نجف اشرف به خاک سپرده شد. تشییع پیکر او که در آن صدها هزار تن شرکت داشتند به نظاهرات وسیعی بر ضد رژیم بعث عراق تبدیل شد. هم‌چنین مسأله‌ای که در پی فقدان ایشان پیش آمد، مسأله معرفی جانشین آیت‌الله حکیم بود، به همین دلیل برای حل مسأله، مرجعیت ۱۲ تن از استادان و عالمان دینی حوزه علمیه قم با انتشار اعلامیه‌ای امام خمینی را به‌عنوان مرجع مسلمانان معرفی کردند. بدین ترتیب مرجعیت امام خمینی پس از آیت‌الله حکیم مطرح و تثبیت شد. آیت‌الله حکیم با موضوع‌گیری‌های سیاسی خود در مقابل ظلم و تعدی حکومت‌های مستبد به دفاع از اسلام و مسلمانان پرداخت. ایشان حوادث ایران را هم مورد توجه قرار می‌داد و با صدور نامه، اعلامیه و تلگراف از مواضع علمای ایران به رهبری امام خمینی در مقابله با رژیم پهلوی حمایت کرد. سید محسن حکیم، ۱۱ خرداد ۱۳۴۸ در نجف و در خاندانی که در عراق شهرت فراوان داشتند، دیده به جهان گشود. پدرش، مهدی بن صالح طباطبایی نجفی، مشهور به سید مهدی حکیم، عالم دینی و مرجع تقلید شیعیان بنت حَبِیْل لبنان بود. سید محسن در ۷ سالگی پدرش را از دست داد و تحت تربیت و تعلیم برادر خود قرار گرفت. او دروس مقدمات و مبادی فقه و اصول را خواند و در درس خارج علما و مدرسان بزرگ حوزه علمیه نجف حاضر شد و به موفقیت رسید. از جمله استادان برجسته او می‌توان به سید محمد کاظم یزدی، آخوند خراسانی، میرزا حسین نائینی و آقا ضیاء الدین عراقی اشاره کرد. آیت‌الله حکیم به وقایعی که در کشورهای اسلامی از جمله ایران رخ می‌داد، توجه داشت. برای نمونه در اوایل دهه ۴۰ خورشیدی در مخالفت با لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، محکومیت حمله رژیم پهلوی به مدرسه فیضیه و محکومیت قتل عام مردم ایران در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و اکتش نشان داد. در واقع در همه حوادث و منازعات سیاسی که از ۱۳۴۱ به بعد میان روحانیت و محمدرضا پهلوی در ایران روی داد، ایشان با صدور نامه، اعلامیه و تلگراف از مواضع علمای ایران به رهبری امام خمینی حمایت کرد. آیت‌الله حکیم، علاقه فراوانی به تأسیس مدارس و کتاب‌خانه‌های مساجد و دیگر بناهای علمی و دینی داشت از این‌رو موسسات فراوانی به وجود آورد. کتاب‌خانه معروف او که به نام مکتبه الامام الحکیم در نجف اشرف تأسیس شده از مجهزترین و پیشرفته‌ترین کتابخانه‌های اسلامی است و بیش از یک صد شعبه در سراسر عراق دارد. این عالم بزرگ دینی در دورانی حساس و دشواری که حوزه نجف در آن‌روا به سر می‌برد به ریاست عامه رسید. به باور ایشان حوزه پیاپیگاه اصلی و کانون هرگونه دگرگونی و تحولی در مجتمع شیعیان به شمار می‌رفت از جمله تلاش‌های اولیه ایشان در این خصوص حفظ وحدت، یکپارچگی و انسجام حوزه کهن نجف اشرف و در مرحله نخست کاستن از اختلافات اساسی بود. رویارویی رئیس حوزه با اندیشه‌های الحاد مارکسیسم و خطوط انحرافی قوم‌گرایانه و طایفه‌گراییانه تفرقه‌افکن به تقویت حوزه انجامید و شور، نشاط، تحرک و هیجان را به آن بازگرداند و آن را از رکود، سکون و سکوت خارج کرد. پس از کودتای عبدالکریم قاسم در عراق و به قدرت رسیدن او در ۱۳۳۷ شمسی، زمینه مناسبی برای ترویج افکار کمونیستی و تصویب قوانین ناسازگار با احکام فقهی فراهم شد. آیت‌الله حکیم رسماً به تصویب این قوانین اعتراض کرد و عالمان و خطیبان را به آگاه کردن مردم از ماهیت ضد دینی آن فراخواند. او هم‌چنین با صدور دو فتوای تاریخی در سال ۱۳۳۸ شمسی، یوستن به حزب کمونیست را شرعاً غیر مجاز و در حکم کفر و الحاد یا ترویج کفر و الحاد دانست. در پی این فتوا، دیگر عالمان نجف هم فتوای مشابه دادند و سرانجام عبدالکریم قاسم را به عذرخواهی واداشتند. آیت‌الله حکیم هم‌چنین به مسائل مالی حوزه نیز در حد امکان نظم داد. البته ایشان به ایجاد پشتوانه اقتصادی برای حوزه‌های علمیه اهمیت می‌داد و در مصرف وجوه شرعی (خمس و زکات و...) بسیار محتاط بود. بارها به نمایندگان خود در کشورها و شهرهای مختلف گوش زد می‌کرد که در صورت نیاز به وجه شرعی در مناطق محل اقامت آنان از ارسال وجه به نجف خودداری ورزند. از این‌رو در زمان زعامت ایشان حوزه‌های علمیه جدیدی تأسیس شد از دیگر اقدامات آیت‌الله حکیم تغییر در برخی مواد درسی حوزه و تأکید بر لزوم فراگیری برخی علوم بود که به واقع بنی طلب‌یاری می‌رساند و آنان را هرچه بیشتر با مسائل اجتماعی آشنا می‌کرد. از این‌رو بر ضرورت یادگیری اقتصاد، جامعه‌شناسی و علوم سیاسی از طرف دانشجویان علوم دینی تأکید فراوان داشت. بدین ترتیب آیت‌الله حکیم با اقدامات خود نه تنها حوزه علمیه نجف را از انزوا خارج کرد، بلکه باعث تحرک و نقش‌آفرینی آن در برهه‌های مختلف تاریخی شد. ایشان برای پایداری و تقویت حوزه نجف عهددار انجام اصلاحات عمیق و ابتکارات جالبی شد که تا پیش از او سابقه نداشت؛ اقداماتی که پاسخ‌گوی نیاز و انتظارات آن روز جامعه بود.



آیت‌الله حکیم در کنار فرزندش شهید سید مهدی حکیم و تنی چند از اصحاب و نزدیکان

گزارش تاریخ

مجاهد مؤمن

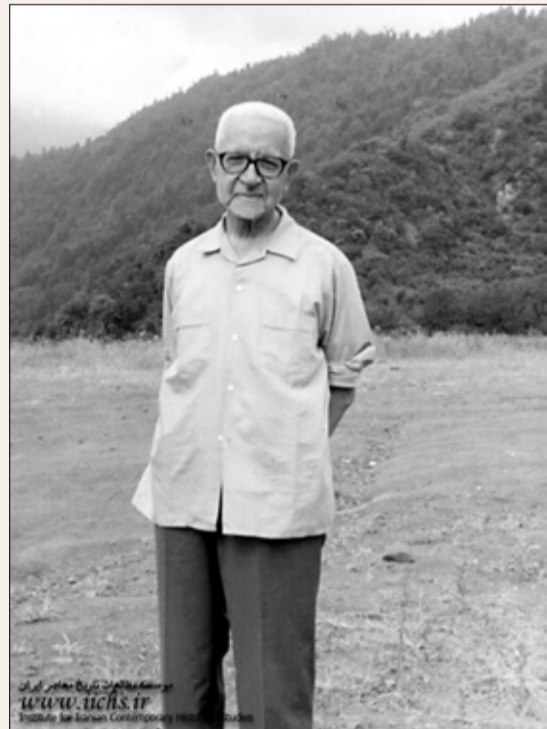
۲۰ سال از درگذشت دکتر یدالله سبحانی گذشت



علی شاملو روزنامه نگار

یک‌جا از سه امتیاز فوق‌برخوردار شد و مظهر دیانت و مجاهدت و دانش بود. او با حفظ اصالت خانوادگی و ملی - اسلامی خود برای کسب علم و دانش راهی دیار غرب می‌شود و بر علوم کاربردی و مهندسی تسلط می‌یابد و شیفته غرب نمی‌شود و پس از پایان تحصیلات برای خدمت به وطن بازمی‌گردد، ولی هرگز ابعاد انسانی خود را فراموش نمی‌کند و همیشه و در همه حال یار و مددکار مردم محروم کشورش در همه صحنه‌ها باقی می‌ماند.

دکتر سبحانی از پیش‌گامان احیای تفکر دینی



سید محسن حکیم در کنار فرزندش شهید سید مهدی حکیم

در دانشگاه و از مبارزان قدیم راه استقلال و آزادی و از خدمت‌گزاران ثابت قدم به اسلام و ایران بود به یقین ۷۰ سال تلاش گران قدر سبحانی برای اعتلای فرهنگ اسلامی و نیز پیشرفت علمی، فرهنگی و سیاسی کشور در ذهن منصف ملت ما به‌جای خواهد ماند. یدالله سبحانی از جمله فرزندان مشروطه به‌شمار می‌رود. او در روزگاری چشم به جهان گشود که تب مشروطه در عروق اجتماع پیش می‌رفت و فریاد عدالت‌خانه از همه سو به گوش می‌رسید. فریادی آن‌چنان رسا که برای مظفرالدین شاه راهی جز امضای فرمان مشروطیت باقی نگذاشت. سبحانی، مدارس ابتدایی و متوسطه را در تلاطم‌های سیاسی زمان سیدضیاء الدین طباطبائی و کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ سپری ساخت. سبحانی جوان، در تأثیر از نسیم بیداری و شور آموختن به‌زودی به دارالفنون و سپس دارالمعلمین مرکزی راه یافته و تحت‌تأثیر شخصیت میرزا ابوالحسن فروغی قرار گرفت. تحصیلات عالی را در دارالمعلمین عالی که بعدها دانش‌سرای عالی نام گرفت در رشته علوم طبیعی سپری ساخت و در سال ۱۳۱۱ در زمره محصلین اعزامی به فرانسه رهسپار سفری چهارساله شد.

نگاهی به خاطرات سبحانی نشان می‌دهد که از سنین جوانی شوق زایدالوصفی نسبت به آموختن و دانش‌اندوزی در او موج می‌زده است؛ شوری که به او اجازه می‌دهد به‌رغم مشکلات خانوادگی، ترک همسر و فرزندان گفته و رهسپار اروپای متمدن شود. ذهن و ضمیر صاف و دیانت‌پیراسته از خرافات در غربت فرنگ او را مددکار می‌شود و اندیشه او را به‌جای گرایش به کژراهه‌ها معطوف وطن و تدارک توشه برای خدمت به میهن می‌سازد.

سبحانی و بازگان در عرشه کشتی

در سال ۱۳۱۲ اتفاقی کوچک با نتایج بزرگ و قابل‌تأمل رخ می‌دهد. سبحانی که پس از یک

مردان تلاش‌گر و خودساخته‌های چون یدالله سبحانی از نوادر روزگار بودند. فقدان شخصیت‌هایی مانند دکتر سبحانی در مقطع کنونی جامعه ما، پر درد و دریغ است. جامعه امروز ما محتاج انسان‌هایی صبور، دانشمند، کمال یافته و دلیری است که هم‌چون سبحانی در همه ابعاد انسانی صاحب فضل و کرامت باشند.

چه نیازی به سبحانی داریم؟

این البته برای انسان‌های معمولی و متوسط کار بسیار سخت و سهمگین و هراس‌آوری است! اما سبحانی توانست در مدت نسبتاً طولانی این بار طاقت‌فرسا، ظریف و هولناک را سالم به مقصد رساند، زیرا که روح بلند او فراتر از دامنه‌های البرز و قله‌های زاگرس بود. زنده‌یاد دکتر علی شریعتی در کتاب «آری این چنین بود، برادر» در وصف امام علی علیه‌السلام چنین می‌گوید: «اکنون برادر! در وضع و عصر جامعه‌ای زندگی می‌کنم که باز من و هم‌نژادان

و هم طبقه‌هایم به او نیازمندیم. ... او برخلاف پیامبران دیگر برخلاف حکیمان دیگر و برخلاف نوایغ و اندیشمندان دیگر که اگر نابغه‌اند مرد کار نیستند و اگر مرد کارند مرد اندیشه و فهم نیستند و اگر هر دو هستند، مرد شمشیر و جهاد نیستند و اگر هر سه هستند، مرد پارسایی و پاک‌دامنی نیستند و اگر همه هستند، خدا را نمی‌شناسند و خود را در ایمانشان نمی‌کنند خودشان هستند. مردی است در همه ابعاد انسانی، هم‌چون یک کارگر - هم‌چون من و تو - کار می‌کند و با همان پنجه‌هایی که آن سطرهای عظیم خدایی را بر کاغذ می‌نویسد، پنجه در خاک فرو می‌برد، چاه می‌کند، قنات احداث می‌کند و در شوره‌زار، آب برمی‌آورد. ... اکنون نیازمند اویم و محتاج پیشوایی چون او، که همه تمدن‌ها و فرهنگ‌ها و مذهب‌ها، یا انسان‌ها را حیوانات اقتصادی ساخته‌اند و یا حیوان نیایش‌گر درون‌گرای فردی در دخمه‌های عبادت و روحانیت؛ یا مردان اندیشه و تفکر و عقل، ولی بی‌احساس، بی‌دل، بی‌عشق و بی‌عشق، یا مرد احساس و عشق و الهام اما بی‌عقل، بی‌تفکر، بی‌علم، بی‌منطق و او مرد همه این ابعاد است. رب‌النوع زحمت کشیدن و رنج و کار، رب‌النوع سخن گفتن، رب‌النوع جهاد کردن، رب‌النوع اخلاص ورزیدن، رب‌النوع وفادار ماندن، رب‌النوع رنج، رب‌النوع سکوت، رب‌النوع فریاد، رب‌النوع عدالت.»

امام علی (ع) از نظر دکتر شریعتی مردی است در همه ابعاد انسانی. مرحوم دکتر یدالله سبحانی را می‌توان پیرو راستین آن امام همام به شمار آورد. به‌راستی اگر قرآن کریم، برخورداری از تقوا را ملاک برتری انسان‌ها نزد خدا دانسته و می‌فرماید: «ان اکرمکم عندالله اتقیکم» و اگر جهاد در راه خداوند موجب برتری بخشیدن مجاهدان بر انزواطلبان از سوی خداوند است، که «فضل الله للمجاهدین علی القاعدین اجرا عظیما» می‌توان گفت؛ مرحوم یدالله سبحانی